



● در ادامه:

محوری بودن ایران در اندیشه شقایی...

به لحاظ علمی بسیار منصفانه است که بگوییم شهید دکتر فتحی شقایی تحت تاثیر انقلاب اسلامی در ایران (۱۹۷۹ م) قرار گرفت. به رغم این که هیچ‌گونه گرایش تشکیلاتی که موجب جذب او به سمت انقلاب باشد و وجود نداشت اما چنین توجهی نزد او پدیدار گردید. شاید پیام تسلیت مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای پس از شهادت دکتر شقایی در تاریخ ۲۶ اکتبر ۱۹۹۵ با آن محتوای جالب نشان دهنده جایگاه ویژه‌ای باشد که شقایی در دل رهبران انقلاب و همچنین ملت ایران داشته است.

صدت نسل‌کشی ملت فلسطین و از بین بردن ماهیت آن می‌باشند و به همین دلیل خطرناک‌ترین و فحیح‌ترین ابزارهای فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی، امنیتی و اقتصادی را به کار می‌گیرند، عقب‌نشینی و تسلیم اعراب و سران مردم فلسطین به ایجاد جوی از یأس و ناامیدی در داخل فلسطین کمک کرد. حجم پیروزی ایران نزد فلسطینی‌ها معنی و مفهوم دیگری پیدا کرد. زیرا امکان رویارویی با معادله‌های ظالمانه بین‌المللی آشکار و مشخص شد که ملت‌ها با شجاعت می‌توانند ارتشی مدرن و توانمند را شکست دهند و هیچ‌کس را یاری مقاومت با نیروی اسلام نیست.

بدین ترتیب نیروی اسلام در سراسر فلسطین زنده شد و به تدریج شعارهای لائیک فروکش کرد و شعارهای اسلامی جایگاه خود را بازیافت و تجمع‌های اسلامی در مساجد و دانشگاه‌ها و انجمن‌ها و اتحادیه‌ها رشد و توسعه پیدا کرد.

توجهی که انقلاب اسلامی از ابتدای پیروزی به مسأله فلسطین نشان داد، باعث شد که نگاه‌های جوانان فلسطینی به سمت تهران انقلابی خیره شود و بالاترین میزان همدلی با انقلاب اسلامی ایران شکل گیرد.

شقایی می‌گوید: «هر چند که در آن روزها او همدلی شکل گرفت اما این همنرنگی و یکدلی با شروخ نهضت امام خمینی (ره) در سال ۱۹۶۳ آغاز شده بود. فلسطین در متن سخنرانی‌های دینی و سیاسی امام قرار داشت.»

علی‌رغم فاصله جغرافیایی موجود میان ایران و فلسطین امام (ره) با آن به عنوان یک موضوع داخلی یا مرزی برخورد می‌کرد. در تمام سال‌های مبارزه با رژیم شاه، امام همواره شاه و اسرائیل را با یکدیگر مرتبط می‌دانست، گویی که آنها دوروی یک سکه هستند و هر کدام از آنها دیگری را پوشش می‌دهد و حیات و زندگی را در او می‌دهد. هنگامی که شاه شرط عدم برخورد با اسرائیل را گذاشت، امام (ره) با تمسخر پاسخ داد «چرا؟ مگر مادر او یهودی است؟» امام در تبعیدگاه خود در سال ۱۹۶۴ چنین گفت: «اسرائیل در حال جنگ با کشورهای اسلامی است. اینجانب همواره مسلمانان را از خطر آن برحذر داشته‌ام.» در جایی دیگر امام چنین اظهارداشت: «اینجانب به کلیه

پیش از او ما در یک حالت یأس و ناامیدی به سر می‌بردیم و معتقد بودیم که نمی‌توان این دشمن مستکبر را شکست داد و رژیم صهیونیستی را از بین برد. اما با به دست آوردن پیروزی، امید را در ما زنده کرد و به این مطلب ایمان پیدا کردیم که اسلامی که توانست شاه را سرنگون کند، می‌تواند بقیه شاهان را نیز سرنگون سازد و فلسطین را آزاد کند. این همان معنی بزرگی است که امام به ما داد، جمهوری اسلامی ایران امروز نیز به رهبری آیت‌الله خامنه‌ای علیرغم تمامی مشکلات و محاصره‌های موجود در همان مسیر حرکت می‌کند، می‌دانیم که طرفداری جمهوری اسلامی ایران از مسأله فلسطین و پشتیبانی مداوم آن از حقوق مردم فلسطین وی را در معرض خطر مداوم لوله‌های توپ آمریکا و صهیونیسم و غرب قرار می‌دهد. در اینجا لازم است (گفته شهید شقایی) به علاقه خودم به امام خمینی (ره) بزرگ اشاره کنم. هنگامی که صهیونیست‌ها بنده را به سلول‌های خود در حالی که خونریزی داشتیم بردند، من نام روح‌الله خمینی (ره) را با خون خودم بر دیوار زندان نوشتم. این میزان علاقه من به امام خمینی (ره) راحل است، علاقه‌ای که با خون و مبارزه و فداکاری همراه است.»

بنا به دلایلی که درک آن مشکل نیست، شقایی می‌گوید: «انقلاب اسلامی ایران در فلسطین بیشترین بازتاب را داشته است، زیرا در فلسطین اشغالگرانی وجود دارند که با کشتارها و تبعیض‌ها در

مجله ایرانی (ایران امروز) به مناسبت آغاز سال ۱۳۷۵ شمسی در یک همه پرسی از خوانندگان خود درباره مرد سال چنین نتیجه گرفت که مرد سال از دید مردم ایران شهید فتحی شقایی است.

بنابراین چنانچه بگوییم که او به ایران انقلابی و نمونه پیشرفته‌ای از اسلام علاقه‌مند شد و ایران نیز به او علاقه پیدا کرد، مطلب تازه‌ای نگفته‌ایم.

اولین نویسنده جهان عرب که درباره امام خمینی (ره) مطلب نوشت دکتر شقایی بود. او در یک سری مقالات با امضای مستعار (عزالدین الفارس) در مجله (المختار الاسلامی) طی سال‌های (۱۹۷۹، ۱۹۸۰ و ۱۹۸۱ م) تحقیقات جالبی به رشته تحریر درآورد. همچنین او کتابی پیرامون امام خمینی (ره) به عنوان «خمینی (ره) راه‌حل اسلامی» نوشت که در آن مطالب جالبی به طرفداری از امام خمینی (ره) بیان داشت. او پیش‌بینی کرده بود که طرفداران امام به قدرت خواهند رسید و حکومت اسلامی برقرار خواهند کرد (کتاب پیش از پیروزی انقلاب در سال ۱۹۷۹ منتشر شد). او در کتاب خود اختلاف میان اهل تسنن و تشیع را زیر سؤال برد. این کتاب مهم رواج زیادی در مصر پیدا کرد. نویسنده به دلیل نوشتن این کتاب روزهایی از عمر خود را در بازداشتگاه به سر برد.

شقایی ده سال پیش از دیدار با امام خمینی (ره) به او علاقه‌مند بود. او هنگامی که در سال ۱۹۸۸ با امام ملاقات کرد، امام برای این ملاقات بیش از زمان معمولی دیدار با رؤسای دولت‌ها، وقت اختصاص دادند؛ در آن دیدار امام (ره) مبارزه او را ستایش نموده و او را از نقشی که یاسر عرفات در قبال مسأله فلسطین ایفا می‌کند، برحذر داشتند.

شهید شقایی نحوه علاقه‌مندی سیاسی و فکری خود به انقلاب اسلامی و چگونگی تاثیرگذاری آن بر مسأله فلسطین را چنین تشریح می‌کند:

«دنیا باید بداند که بازتاب شعارهای امام خمینی (ره) در فلسطین به هیچ‌جا دیگر دنیا نظیری نداشت، دلیل آن این است که همان‌گونه که امام راحل به زندگی ایرانی‌ها معنی بخشید به زندگی ما در فلسطین نیز چنین مفهومی بخشید.

فلسطین به لحاظ ایدئولوژیک از اسلام فاصله گرفته بود بنابراین همان گونه که دکتر فتحی شقافی پیش بینی کرده بود بسیار دشوار به نظر می‌رسید که راه امام خمینی (ره) بتواند روشی برای چنین جهت‌گیری‌هایی ارائه دهد. در سال‌های ۸۱ تا ۸۳ حمله عراق به کشور نوپای جمهوری اسلامی با سکوت و سپس طرفداری احمقانه دیگران همراه بود.

پس از آن سال‌های پذیرش طرح فهد ساف پیش آمد که در آن مشروعیت رژیم صهیونیستی به طور ضمنی به رسمیت شناخته شد و امام خمینی (ره) طرح مذکور را مخالف با قرآن دانست و کلیه کسانی را که آن را پذیرفته بودند، خائن قلمداد کرد. بدین ترتیب و به همان اندازه‌ای که انقلاب فلسطین در این دوره به رهبری رئیس سازمان آزادی بخش فلسطین با اشغالگران رابطه برقرار می‌کرد و همچنین با دشمنان منطقه‌ای و بین‌المللی فلسطین در حال نزدیک شدن بود، از انقلاب اسلامی بیشتر فاصله می‌گرفت. اما این پایان راه نبود زیرا بیداری اسلامی به وجود آمده در فلسطین به تدریج شد و نمو پیدا کرد. این جنبش که از مساجد و محله‌های سنتی آغاز شد، با سرعت در حال شکل‌گیری بود. در اکتبر ۱۹۸۷ انتفاضة اسلامی همانند یک معجزه الهی بوقوع پیوست. رژیم اشغالگر صهیونیستی با استفاده از روش‌های سرکوب گرانه خود با مبارزات مردم مبارز فلسطین مقابله کرد. در آن شرایط یأس و ناامیدی در محافل رسمی فلسطین و اعراب نمایان بود. به گفته دکتر شقافی کلیه این شرایط دست به دست یکدیگر داد تا انقلاب اسلامی در فلسطین اشغالی شعله ور گردد. بدین ترتیب معادله جدیدی به وجود آمد و روشن شد که اسلام تنها راه مقابله با صهیونیست‌ها به شمار می‌رود.

اسلامی که به تنهایی قادر است درگیری را تا پایان ادامه دهد و هیچ‌گاه در وسط راه همانند طرح‌های لائیک از کار باز نخواهد ماند. بدون اسلام هیچ حقوق یا هویت و وطنی نخواهیم داشت و جز پل‌ی برای گسترش اسرائیل به سوی دیگر پایتخت‌ها نخواهیم بود.

از دیدگاه دکتر شقافی رابطه ایران انقلابی با فلسطین به این معنی است که ایران توانا و مدرن نقش بیشتری در انقلاب فلسطین ایفا خواهد کرد و انقلاب و جمهوری اسلامی با استفاده از روش‌های ذیل قادر خواهند بود نقش خود را ایفا نمایند: «۱- برافراشتن شعار وحدت اسلامی و انجام اقدامات جدی به منظور پیاده کردن این شعار از آنجا که تفرقه و تجزیه هدف استعمارگران است بنابراین باید به مقابله با آن برخیزیم. کنار گذاشتن مسائل نژادی و ملی‌گرایی و حرکت به سمت افق گسترده اسلامی به دور از هرگونه درگیری و همچنین کنار گذاشتن اختلافات مذهبی از جمله روش‌های مؤثر در پیروزی انقلاب اسلامی به شمار می‌رود.

۲- توجه به مسئله فلسطین به عنوان یکی از مسائل امت؛ عوامل قرآنی و تاریخی می‌تواند وحدت امت را به دنبال داشته باشد. هیچ مسأله‌ای همانند اتحاد بر محور فلسطین توانایی ایجاد وحدت در امت را ندارد.

فلسطین در قلب قرآن و در رأس حرکت تاریخ قرار گرفته و از او به عنوان کانون برانگیختن منطقه و همچنین کل میهن اسلامی یاد می‌شود زیرا فلسطین همواره شاهدی بر نهضت یا عقب‌ماندگی، استقلال یا تبعیت، عزت یا ذلت بلکه بر اسلام یا انحراف ما خواهد بود، حاکمان هیچ‌گاه نخواهند توانست او را کنار بگذارند. همان گونه که تاکنون نتوانسته‌اند. از دیدگاه دکتر شقافی تأثیر شگرف انقلاب اسلامی ایران بر بیداری اسلامی در فلسطین و شعله‌ور شدن انتفاضة و استمرار آن با برافراشتن شعارهای اسلامی یک فرصت تاریخی و استثنایی فراهم کرده است که هیچ‌گاه نباید آن را از دست بدهیم. در این مرحله (وحدت و فلسطین) نمایانگر طرح دو بعدی اسلامی به شمار می‌رود. طرحی که جمهوری اسلامی باید آن را در مقابل طرح استعماری (تجزیه و رژیم صهیونیستی) علم کند. بدین ترتیب همان گونه که دکتر شقافی نتیجه می‌گیرد گفتگوی مقصدی در امتداد محور «تهران - قدس» همچنان باید حفظ

شهر شهید شقافی



اسلامی که به تنهایی قادر است درگیری را تا پایان ادامه دهد و هیچ‌گاه در وسط راه همانند طرح‌های لائیک از کار باز نخواهد ماند. بدون اسلام هیچ حقوق یا هویت و وطنی نخواهیم داشت و جز پل‌ی برای گسترش اسرائیل به سوی دیگر پایتخت‌ها نخواهیم بود.

پیوست در واقع همبستگی روحی، فکری، مبارزاتی و سیاسی میان ایران اسلامی انقلابی و فلسطین بود.

در شب پیروزی بزرگ ۱۳۵۸/۲/۱۲) مردم مسلمان انقلابی در تهران سفارت اسرائیل را به سفارت فلسطین تغییر نام دادند. این عمل در هیچ‌یک از پایتخت‌های عربی یا غیر عربی سابقه نداشت. رئیس سازمان آزادی بخش فلسطین و دیگر رهبران انقلاب فلسطین در تهران به طور بی سابقه‌ای مورد استقبال مردم ایران قرار گرفتند و همه ایران (حتی خراسان به گفته رییس سازمان آزادی بخش فلسطین) امتدادی برای انقلاب فلسطین شد. بدین ترتیب بازتاب انقلاب اسلامی بر مسأله فلسطین در دو بعد مختلف خواهد بود. اول: وضعیت انقلاب فلسطین در خارج و توجهات رهبران آن و همچنین روابط منطقه‌ای و بین‌المللی آنها، این وضعیت زیر بار سنگین فساد اداری و بروکراسی و همچنین جنگ داخلی و قانون شکنی، انقلاب فلسطین را به گونه‌ای بدل کرده که سلول‌های میکربی در همه جای آن به چشم می‌خورد.

دوم: وضع داخلی فلسطین که شامل سرزمین‌های اشغالی از سال ۱۹۴۸ علاوه بر کرانه باختری و نوار غزه می‌باشد. این بخش شرایط شکست و ناامیدی را تجربه کرد لیکن هیچ‌گاه تحت تأثیر شرایط خارجی و روابط و پیچیدگی‌های آن قرار نگرفت و همچنان به زندگی ساده خود ادامه داد.

رابطه انقلاب اسلامی با محافل رسمی خارجی فلسطین همواره با بحران‌های مختلف رو به رو بوده است. از آنجا که انقلاب

کشورهای اسلامی و مسلمانان شرق و غرب اعلام می‌کنم که مسلمانان شیعه دشمنان اسرائیل و مزدوران او هستند و از کلیه کشورهای اسرائیل را به رسمیت شناسند مبری می‌باشند.» هنگامی که جنگ سال ۱۹۶۷ م شعله‌ور شد و دشمن صهیونیستی به کشورهای عرب همسایه و باقیمانده فلسطین حمله کرد، امام خمینی (ره) حضور شجاعانه‌ای از خود نشان داد و فتوای محکمی در محکومیت این حمله صادر کرد، او در آن فتوا مسلمانان را به اتحاد و یکپارچگی و تحریم معامله با اسرائیل و تشویق جنگیدن با او دعوت کرد. از آن زمان رابطه امام با انقلاب فلسطین قطع نشد. فتوای ایشان در جواز هزینه کردن حقوق شرعی به نفع پیکار با دشمن صهیونیستی از موضع‌گیری‌های برجسته امام در قبال انقلاب و مسأله فلسطین به شمار می‌رود.

در سال ۱۳۸۸ هجری قمری برخی از مبارزین فلسطینی به محضر امام شرفیاب شدند و از ایشان سؤال کردند: آیا می‌توان وجوه شرعی را در راه مسلح کردن مبارزین فلسطینی مصرف کرد؟ پاسخ امام چنین بود:

بسم الله الرحمن الرحيم

پیش از این نیز درباره اهداف دولت اشغالگر اسرائیل مطالبی گفته بودم... همان گونه که مسلمانان را از این خطر بزرگ برحذر کردم و آنان را به عدم رها کردن دشمن صهیونیستی دعوت کردم تا او نتواند اهداف شوم خود را پیاده کند و فرصت‌ها را پیش از آنکه شکاف‌ها عمیق‌تر گردد، غنیمت بشمارند. بنابراین و از آنجا که موجودیت اسلام با خطرهایی مواجه است، بر دولت‌های اسلامی به طور اخص و مسلمانان به طور اعم لازمست که در کنار یکدیگر قرار گیرند و خطر صهیونیسم را دفع کنند و در راه ریشه کنی آن از هر وسیله ممکن استفاده کنند و هیچ‌گاه از کمک و یاری به مبارزین اسلام کوتاهی نکنند، بنابراین آنها مجازند وجوه شرعی را مانند زکات و صدقه‌های دیگر در این راه هزینه کنند... در خاتمه از خداوند متعال می‌خواهیم که مسلمانان را از خواب عمیق بیدار کند و از آنان و کشورشان کید دشمنان را دور کند.

والسلام علی من اتبع الهدی.
روح‌الله الموسوی الخمينی (ره)
۳ ربیع الثانی ۱۳۸۸ ه. ق.

بدین ترتیب روشن است آنچه که در سال ۱۹۷۹ در ایران به وقوع

